

نقش جهاد تبیین انقلاب اسلامی در خنثی سازی استعمار مجازی

محمدسجاد شیروودی^۱، مهدی چمندار^۲، حسین ابراهیمی^۳

تاریخ دریافت: 1401/08/16

تاریخ پذیرش: 1401/11/25

چکیده:

در سالهای اخیر مقام معظم رهبری از عبارت جهاد تبیین در مقابل جریان تحریف استفاده بیشتری می‌کند تا جایی که برای شکست تحریف باید از تبیین استفاده نمایم، جهاد تبیین در کلام رهبر معظم انقلاب به معنای آغاز تحولی بنیادین و متمایز از حرکت‌های قبل است و این تحول باید از جهت «کمیت و مقدار» و «کیفیت و شیوه» مورد توجه باشد. جهاد تبیین اقدامی جهادی با مسیر و روشی مشخص است، زیرا تبیین به معنای بیان حقایق می باشد و در این برهه نباید به روال سابق عمل کرد و باید بصورت جهادی و انقلابی در مسیر کشف حقایق در مقابل ابهام‌آفرینی‌های دشمنان گام برداشت، اگر جهاد در کنار تبیین قرار گیرد به معنای یک تلاش مستمر و پرتکرار، برای بیان حقایق و آرمان‌های بزرگ انقلاب برای ایجاد تمدن نوین اسلامی خواهد بود. یکی دیگر از مطالب پرتکرار رهبری انقلاب فضای مجازی بوده که با توجه به فضای فعلی جامعه جهانی و جمهوری اسلامی ایران، با شکل متفاوتی از «سلطه و کنترل جهانی» از سوی غول‌های رسانه‌ای مواجهیم که به دنبال تسخیر چشم‌ها، گوش‌ها و افکار میلیون‌ها بیننده، شنونده و خواننده هستند و لذا با پدیده‌ای بنام استعمار مجازی روبرو می باشیم، حربه جدیدی که رهبرانقلاب نیز از آن به دیکتاتوری رسانه‌ای، تعبیر کردند. پژوهشگران در این تحقیق سعی دارند با شیوه توصیفی تحلیلی مخاطب را با این شکل جدید سلطه آگاه نمایند و آن را در با ابزار جهاد تبیین بررسی نمایند.

واژگان اصلی:

استعمار مجازی، انقلاب اسلامی، جهاد تبیین، الگوی تمدن اسلامی، خودکفایی مجازی

¹ دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران m.s.shiroody@gmail.com

² دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت فناوری اطلاعات chamandar.m@gmail.com

³ دانشجوی دکتری امنیت سایبری دانشگاه دفاع ملی hossein.eb2016@gmail.com

مقدمه

مقام معظم رهبری راه مقابله با تحریم و آثار اقتصادی آن را مقابله با جریان تحریف می‌دانند و این بدان معنا است که از فشارهایی که متوجه جمهوری اسلامی بوده، عبور کردیم و تغییر دولت، مدیریت شهری، مجلس و اصلاح کارآمدی نیز تسهیل‌گر این موضوع بوده است و ایشان از جریان تحریف، موضوع را آغاز کردند؛ امروز شرایط برای مطرح کردن جهاد تبیین فراهم شده که در این ماه‌های اخیر بارها به این موضوع اشاره شده است. مخاطب ویژه جهاد تبیین بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری جوانان هستند زیرا آنها نسبت به گذشته آگاهی، اطلاعات و دانش لازم را نداشتند و قرار است جوانان در آینده برای پاسداری از انقلاب اسلامی شمشیر بزنند، بنابراین لازم است اقدامات رسانه‌ای و تبیینی را برای بیانیه گام دوم انجام دهیم، محتوای بیانیه گام دوم به طور عمده گزاره‌ای خبری است که به نظر می‌رسد بسته‌ای تبیینی از گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی در آن ترسیم شده است و یکی از این مواردی که در جهاد تبیین باید به مصاف آن برویم موضوع استعمار مجازی است که دنیای غرب آن را در خیلی از کشورها من جمله ایران دنبال کرده اند.

بیان مساله و اهمیت موضوع

می‌توان گفت تاکید چندباره رهبر انقلاب بر لزوم روایتگری دست اول و وانهادن موضوعات مهم برای آنکه ذهن مخاطبان را روایت‌های کاذب و تحریف شده پر کند نشان دهنده شکل نگرفتن عزم و اراده و همتی کافی برای تحقق جهاد تبیین است. می‌توان بر پایه بیانات رهبر معظم انقلاب در جهاد تبیین حقایق دو رویکرد را از هم تفکیک کرد رویکرد ایجابی و کنشی و رویکرد واکنشی و پدافندی.

در رویکرد ایجابی و کنشی سعی در بسط و ترویج و نشر حقایق انقلاب و نظام اسلامی دارد و می‌کوشد با بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای و مجازی به تعبیر رهبر انقلاب با عقلانیت و منطق و سخن متین و عقلانیت کامل، همراه با زینت عاطفه و عواطف انسانی، و بکارگیری اخلاق، حقایق انقلاب و نظام و میهن اسلامی را منتشر کند. (بیانات رهبر معظم انقلاب - 1400/07/05) در این رویکرد حقایق انقلاب با اقتضای شرایط و با بهره‌گیری از هنر و ظرفیت‌های کار رسانه‌ای به افکار عمومی داخل و خارج ارائه می‌شود. گستره و تاثیر گذاری نشر حقایق انقلاب و نظام اسلامی را آنجایی می‌توان در صحنه نظام بین الملل درک کرد که قدرت‌های سلطه‌گر و مدعیان آزادی بیان همواره برای رسیدن سیگنال‌ها و پیام‌های انقلاب

اسلامی به خصوص از جانب رسانه های برون مرزی اختلال ایجاد کرده و از پخش این امواج از طریق ماهواره های مشرف بر فضای دیگر کشورها؛ جلوگیری می کنند یا دریافت آن‌ها را با اختلال روبرو می کنند. در عرصه داخلی نیز اگرچه رسانه ها برای بازتاب دادن حقایق انقلاب در تلاشند، اما هنوز پیام ها و حقایق بسیاری برای نسل جوان به قدر کافی شناسانده نشده است. در رویکرد پدافندی و واکنشی می کوشد به خنثی سازی حرکت دشمنان انقلاب اسلامی برای تحریف یا کتمان یا انحراف حقایق و کم ارزش کردن آن‌ها نزد افکار عمومی بپردازد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب در قبال این حرکت گمراه کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تأثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است (بیانات رهبر معظم انقلاب - 1400/07/05) و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و به خصوص جوان ها، «حرکت تبیین» خنثی کننده این توطئه‌ی دشمن و این حرکت دشمن است.

دستیابی به اهداف جهاد تبیین

حالا سؤالی در ذهن پیش می آید که، برای دستیابی به اهداف جهاد تبیین چه باید کرد؟ وظیفه خود رسانه و فعالان رسانه‌ای برای مشارکت در جهاد تبیین و تعریف عرصه‌هایی که آحاد جامعه می‌تواند به این موضوع ورود کند، دو بخش مهم است که باید به آن پرداخته شود و به عنوان رسانه و فعال رسانه‌ای، باید آموزش آحاد مردم برای حضور در جهاد تبیین و نقش آفرینی مؤثر را در برنامه‌ها داشته باشیم. همچنین گلوگاه‌هایی از جمله مقابله با دشمن، جنگ علیه افکار عمومی و ادراک مردم که نیاز به تبیین دارد نیز باید مشخص شود و هر رسانه متناسب با کارکرد خود به این موضوع ورود کند و جایی که بحث کارآمدی و ارائه خدمات برای مجموعه رسانه ای و مجازی کشور باشد باید دستگاه‌های حاکمیتی در مواجهه با مردم، گلوگاه‌ها را شناسایی کند تا اگر بحث ناکارآمدی به نظام القا می‌شود، دستاوردها و توانمندی‌های خود را تبیین کنند و اشکالات را در چارچوب شناخت دشمن مطرح کند و به دنبال راهکار باشد، زیرا جهاد تبیین به معنای پوشاندن خطاها و اشکالات نیست.

در مسائل و موضوعات اساسی کشور مانند اتفاقاتی که در حوزه اقتصادی، مبارزه با فساد، کاهش فاصله مسئولان با مردم در چند ماه اخیر رخ می‌دهد، رسانه‌ها و فضای مجازی باید نقش جهاد تبیین را انجام دهند؛ اگر بخواهیم یک گزاره کلی را مطرح کنیم، باید به مسائل مد نظر

دشمن توجه شود و نقاط قوتی که دشمن می‌خواهد آن را به نقطه ضعف تبدیل کند، تقویت شود، بنابراین باید مشخص شود که توپخانه و آتش دشمن بر سر چه موضوعاتی می‌بارد و در نهایت باید آن موضوعات را به نقطه قوت نظام بدل کنیم. رسانه‌ها و فضای مجازی باید با رویکردها و قالب‌های جدید خلاءها را رفع می‌کند تا مخاطب در شرایط مناسبی از آگاهی و دانش قرار گیرد (سوربن و تانکار، 1381: 85) و آسیب‌پذیری افکار عمومی و افرادی که تحت تأثیر این جنگ شناختی و ادراکی هستند را برطرف می‌کند، البته اگر جایی نیاز به تهاجم بود نیز باید با آگاهی وارد عمل می‌شود، زیرا صرفاً نباید تدافعی عمل کرد.

مفاهیم

جهاد تبیین

یکی از عرصه‌های مورد توجه حضرت امام خمینی (ره) به مردم، عبارت است از لزوم آگاه‌سازی دائمی مردم بود. خود امام در سنین بالای عمر - با حال پیرمردی - از هر فرصتی استفاده کرد برای این‌که حقایق را برای مردم بیان کند، در دستگاه‌های تبلیغاتی جهانی، نقش تحریف و گمراه‌سازی، نقش فوق‌العاده خطرناکی است که امام به آن توجه داشت. وسایل ارتباطی فکری نامطمئن و وابسته به دشمنان کشور و ملت، امام را وادار می‌کرد که هم خود او به طور دائم در موضع تبیین و ارشاد و هدایت مردم قرار گیرد و هم به دیگران دائماً توصیه کند که حقایق را به مردم بگویند و افکار آنها را نسبت به حقایقی که دشمن سعی می‌کند آنها را مکتوم نگه‌دارد، آشنا کنند.

امروز دشمن، درست در موضع مقابل این نقطه اساسی اسلامی کار می‌کند، از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهم دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. (بیانات رهبر معظم انقلاب در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی - 1380) اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا می‌شد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف می‌کرد، می‌دیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند می‌شود، امروز نیز همین‌طور است. امروز هم اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن می‌خواهد. امروز همه افراد - چه کسانی که بیاناتشان در حوزه‌های وسیع کاربرد دارد، چه کسانی که در حوزه‌های کوچکتر سخنانشان مؤثر واقع می‌شود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیط‌های کارگری و غیره - مسئولند و اگر دیدند

حقایق و محکامات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار می گیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجه می کرد و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است. (همان)

جهاد یعنی تلاش در مقابله با دشمن؛ هر تلاشی جهاد نیست. خیلی ها تلاش می کنند، تلاش های علمی زیادی می کنند، تلاش های اقتصادی می کنند که خوب و به جا است، اما جهاد نیست. جهاد یعنی تلاشی که هدف گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است. در اصطلاح اسلامی و منطق اسلامی، جهاد این [کاری] است که در مقابل دشمن انجام می گیرد. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مداحان اهل بیت ع- 1400) جهاد یعنی تلاش بی وقفه، همراه با خطر پذیری در حد معقول البته و پیشرفت و امید به آینده. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از برجستگان و تخبگان علمی کشور- 1387)

استعمار مجازی

برای درک بهتر مفهوم استعمار مجازی می بایست به مفهوم واژه اصلی استعمار رجوع نمود. در فرهنگ فارسی عمید استعمار را اسم مصدرعربی و از لحاظ لغوی به معنی آبادکردن ذکر کرده اند و در معنای سیاسی آن را دست درازی و اعمال نفوذ و مداخله دولت قوی در کشور و سرزمین دولت ضعیف به بهانه آبادی و عمران و به قصد استفاده از منابع ثروت آن تعریف نموده اند. مفهوم استعمار که به معنای استثمار یک کشور ضعیف تر توسط کشور قوی تر است به دوره یونان برمی گردد (فرو، 1997:120). استعمار در طول تاریخ شکل های مختلفی به خود گرفته و بر طیفی از تمدن ها تحمیل شده است که بیشتر آنها در نهایت آزادی خود را به دست آوردند. اما اگر استعمار، در تعریف محدود خود، با شکست فرانسوی ها در ویتنام یا الجزایر، بریتانیایی ها در هند، یا هلندی ها در اندونزی به پایان رسید، سلطه استعمار در اشکال جدید کماکان باقی مانده است. (فیلدهاوس ، 1999:58)

تاریخ چندین کشور آسیایی و آفریقایی تأثیرات استعمار صنعتی را تأیید می کند و پتانسیل اطلاعات را برای تبدیل شدن به ابزاری برای ایجاد نسل جدیدی از استعمار برجسته می کند. بسیاری از کشورها علیرغم برخورداری از سطح تحصیلات و فرهنگ بالا، رشد استعمار صنعتی را درک نکردند. (مک فیل، 1987:185). ظهور فناوری های ارتباطی با واسطه رایانه: اینترنت، وب جهانی و غیره، پیچ و تاب جدیدی به بحث های گذشته در مورد استعمار الکترونیک اضافه

کرده است. استعمار الکترونیک یا استعمار دیجیتال، که گاهی به اختصار به استعمار الکترونیک گفته می‌شود، توسط هربرت شیلر در نوشته‌ای از او در سال 1976 با عنوان ارتباطات و سلطه فرهنگی استفاده شده است. در این اثر، شیلر ظهور نوعی استعمار تکنولوژیک را فرض کرد، سیستمی که کشورهای جهان سوم و کشورهای فقیر را مطیع اراده قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده، ژاپن و آلمان، با توجه به «واردات تجهیزات ارتباطی و ضروری و نرم افزارهای تولید خارج از کشور» می‌کند. (همان)

مشابه گسترش و ایجاد مستعمرات و تحت‌الحمایه‌های سرزمینی توسط قدرت‌های استعماری اروپایی در دوران امپریالیسم جدید نیز انقلاب اطلاعات آغازگر دوره جدیدی از اجتماعی شدن بود. مانند مفهوم استعمار سنتی، این انقلاب از کنگلومراهای چند رسانه‌ای (امپراتوری‌ها) را ترغیب کرد که جمعیت‌شناسی مخاطبان (سرزمین‌ها) را به عنوان مستعمرات قابل دستیابی در نظر بگیرند. (مک‌فیل، 2014: 86) تئوری استعمارگر الکترونیک که به دلیل مرگ کمونیزم، جهانی شدن بازار و نوآوری سریع در بخش فناوری ارتباطات به وجود آمده است، شکل معاصر از سلطنت نئو امپریالیستی را مطرح می‌کند. این نه بر خرید و تدارکات نظامی گسترده، بلکه بر اساس تسخیر سهم ذهن و عادات مصرف‌کننده جمعیت هدف یک امپراتوری روانی است. طبق این تئوری، با وابستگی بیشتر جهان به جریان‌های ارتباطی قرن بیست‌ویکمی و درهم‌تنیدگی زندگی‌ها با فضای سایبری و اینترنت اشیا (IoT)، کنترل هژمونیک چندرسانه‌ای به سرعت افزایش می‌یابد و در آینده به گسترش خود ادامه می‌دهد. (همان)

انقلاب اطلاعات

با هجوم انقلاب اطلاعاتی، نفوذ اینترنت بسیار فراتر از انتظارات مبتکران آن رشد کرده است (روزنبرگ، 1997: 62). اینترنت از ابتدا به عنوان یک شبکه کامپیوتری پژوهش محور، به یک پدیده جهانی تبدیل شده است. رشد سریع اینترنت، نابرابری فزاینده‌ای بین فناوری‌ها و نداشته‌های فناوری به همراه داشته است و این اصل اساسی مفهوم استعمار الکترونیک را تشکیل می‌دهد. چنین نابرابری همیشه وجود داشته است، اما اکنون، بیش از هر زمان دیگری. پذیرش نابرابر فناوری، بسیاری را از تجربه مزایای انقلاب اطلاعات محروم می‌کند. جهان پیش از این هرگز با چنین تضاد فاحشی در شرایط انسانی مواجه نشده بود، ثروت زیاد و پیشرفت‌های عظیم در علم و فناوری در کنار فقر شدید و رنجی که یک سوم کامل بشریت با آن مواجه است

(چاندا، 98:2000). بنابراین، اگرچه اینترنت طیف گسترده ای از گزینه ها را برای ارتباطات و تبادل اطلاعات ارائه می دهد، ممکن است نیاز به در نظر گرفتن تأثیر این پیشرفت های تکنولوژیکی بر جامعه وجود داشته باشد (سالینی، 1998: 125).

در حال حاضر، به نظر می رسد کشورهای توسعه یافته بر اینترنت تسلط دارند و جهان در حال توسعه در حاشیه مانده است (نورس، 86:2001). این با یک جستجوی عادی در اینترنت آشکار می شود، اکثر وب سایت ها به زبان انگلیسی هستند و معمولاً از ایالات متحده تهیه می شوند. اگر تدابیری برای میزبانی رو به گسترش سایت ها در جهان و ایجاد آنها به عنوان ارائه دهندگان اطلاعات اتخاذ نشود، بیشتر کشورهای در حال توسعه ممکن است به 'مستعمرات الکترونیکی' تبدیل شوند که اطلاعات اجباری تولید شده توسط جهان توسعه یافته است. تأثیرات در مقیاس بزرگ انقلاب اطلاعات در شکاف بزرگ بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه کاملاً آشکار است. از یک طرف، بسیاری از کشورهای جهان سوم نگران امکانات اساسی مانند دسترسی به رادیو و تلویزیون هستند. در مقابل، ملل دیگری نیز وجود دارند که برخی از آنها بیش از یک قرن صنعتی شده اند و بر این اساس، در موقعیت بسیار بهتری برای به دست آوردن پاداش های انقلاب اطلاعات هستند. در سطح کلان، قدرت اینترنت برای پایین آوردن مرزها غیرقابل انکار است. با این حال، این می تواند باعث تار شدن هویت های ملی شود و اقتصادهای بزرگ را قادر به تسلط بر فرهنگ های کوچکتر و تعریف فرهنگ جهانی کند. ملیت ارائه دهندگان عمده اخبار و اطلاعات در سطح جهان، یکی دیگر از بازتاب های تسلط اینترنت توسط کشورهای توسعه یافته است. (ونکاتسن، 43:2003)

تحولات سریع فناوری به طور بالقوه می تواند کشورهای در حال توسعه را متضرر کند، جایی که سطح متوسط درآمد خانوار امکان خرید رایانه را ندارد، از آنجا که شبکه های ارتباطات خارجی متعلق به شرکت های چند ملیتی هستند، هزینه های ارتباطی نیز می تواند به بدی خارجی دولت ها بیانجامد، بنابراین مانع توسعه شبکه های تأمین شده توسط دولت می شود که به وب وصل شده اند (ریچارد اسپرمن و همکاران، 62:1996).

همانطور که مفهوم استعمار دیجیتال تکامل یافته است، روشی که محققان در آن مطالعه کرده اند نیز تکامل یافته است. در حالی که برخی از نویسندگان به آن به عنوان بسط اشکال موجود استعمار نگاه کرده اند، (کوت و یانگ، 58:2019) برخی دیگر به آن به عنوان شکل کاملاً

جدیدی از ظلم نگاه کرده اند. (کالدری، 2018: 76) دومی به طور خاص به استعمار داده‌ها نگاه می‌کند، و اینکه چگونه این عمل ماهیت غارتگرانه استعمار را به معنای کلاسیک با روش‌های انتزاعی تعیین ارزش در عصر دیجیتال ترکیب می‌کند. یک ایده کلیدی این نظریه این است که چگونه داده‌ها را به عنوان منابع طبیعی می‌بیند که فراوان هستند، براحتی قابل استفاده و در دسترس هستند تا از آنها سود ببریم و فرسودگی آنها مشکلی ایجاد نمی‌کند (مور، 2015: 98) این داده‌ها را محصول فرعی زندگی مردم می‌داند که نمی‌توان آن را مالکیت کرد، دقیقاً مانند هوایی که مردم بازدم می‌کنند. شرکت‌هایی مانند گوگل، آمازون، اپل، فیس‌بوک، بایدو، علی‌بابا و تنسنت ادعا می‌کنند که تنها شرکت‌هایی هستند که می‌توانند داده‌ها را پردازش کنند و بنابراین می‌توانند جامعه را از طریق این فرآیند به مکان بهتری تبدیل کنند، بسیار شبیه به کسانی که استعمار را به معنای تاریخی آن مرتکب شدند، ادعا کردند که این یک پروژه تمدن‌ساز است. (مک‌فیل، 2002: 146) در واقع، افراد تشویق می‌شوند تا داده‌های خود را از طریق پلتفرم‌های ردیابی خود به اشتراک بگذارند که بر لایک‌ها و دنبال‌کنندگان، عملکرد برجسته یا گیمیفیکیشن برتری می‌دهد.

جهاد تبیین در شناخت دیکتاتوری رسانه‌ای

انقلاب اسلامی ایران در شرایطی وارد چهل و چهارمین سال حیات شکوهمند و پرثمر خود شده است که دشمنان نظام و این سرزمین از هیچ تلاش مذبوحانه‌ای برای تضعیف و زیر سوال بردن دستاوردهای انقلاب و برجسته‌سازی ضعف‌ها و کاستی‌ها فروگذار نکرده‌اند. به گونه‌ای که دشمن در سالیان اخیر شبکه و کمپین رسانه‌ای و تبلیغاتی گسترده‌ای را در عرصه مجازی برای اثرگذاری بر افکار عمومی و ایجاد فاصله بین مردم و حاکمیت راه‌اندازی کرده است. بر همین اساس و با درک به موقع و هوشیارانه تهاجم تبلیغاتی دشمن در چارچوب جنگ نرم و شناختی، رهبر معظم انقلاب فرمان عمومی «جهاد تبیین» را اعلام کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین وظایفی که نهادهای انقلابی و متولی جهاد تبیین و همچنین مسئولان و فعالان سیاسی، رسانه‌ای و اجتماعی برعهده دارند، تبیین تئوریک و دقیق مفهوم راهبردی «جهاد تبیین» است.

تبیین تاریخ؛ جنگ روایت‌ها، بخش مهمی از جهاد تبیین به گذشته و تبیین واقعیات و حقایق آن مربوط می‌شود. در واقع، تبیین تاریخ بخش جدایی‌ناپذیر و اساسی جهاد تبیین است؛ به ویژه در رابطه با تاریخ پیش و پس از انقلاب. دشمنان انقلاب و نظام اسلامی در یک جنگ رسانه‌ای و

تبلیغاتی بی سابقه و با ابزارهای مختلف رسانه‌ای، مجازی، هنری، سینمایی و... به دنبال زیر سوال بردن دستاوردهای انقلاب، برجسته‌سازی نقاط قوت دوران پیش از انقلاب و ایجاد سرخوردگی عمومی از انقلاب هستند. به همین جهت است که روزانه شاهد تولید محتوای رسانه‌ای و هجمه رسانه‌ای گسترده‌ای در قالب کلیپ، عکس نوشته، کتاب، مقاله و... از سوی رسانه‌ها و موسسات معاند نظام و انقلاب در فضای مجازی هستیم که تلاش دارند با یک مقایسه جهت‌دار، تحریف‌شده و غیرواقعی از شرایط و وضعیت قبل و بعد از انقلاب، واقعیات تاریخی وقوع انقلاب اسلامی و دستاوردهای 43 ساله آن را تحریف و تضعیف کنند. لذا ضروری است در فریضه تبیین، توجه ویژه‌ای به تاریخ انقلاب، روایت واقعی آن و جلوگیری از تحریف واقعیات داشت. دشمن با هدف قرار دادن گذشته انقلاب و تطهیر آنچه مردم ایران علیه آن انقلاب کردند، در پی تضعیف بنیان‌های فکری و ایدئولوژیک انقلاب هستند. به همین جهت و در راستای حفظ جلوگیری از تضعیف بنیان‌های عقیدتی و فکری انقلاب اسلامی، لازم است تبیین تاریخی مورد نظر قرار گیرد و جدی گرفته شود.

تبیین حال؛ فوریت- در شرایط حساس و پیچیده کنونی که دشمن تهاجم گسترده‌ای را در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغاتی علیه مردم ایران و انقلاب اسلامی راه‌اندازی کرده است، همان‌طور که رهبر انقلاب فرمان داده‌اند و فرموده‌اند، ورود به جهاد تبیین هم قطعی است و هم فوری، لذا اگر در جنگ‌شناختی فعلی، دشمن بتواند بر افکار و اراده عمومی ایرانیان غلبه کند، هم گذشته تحریف خواهد شد و هم چشم‌انداز آینده تیره خواهد بود. خیلی از حقایق هست که باید تبیین بشود، در قبال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طرف به سمت ملت ایران سرازیر است و تاثیرگذاری بر افکار عمومی که یکی از هدف‌های بزرگ دشمنان ایران و اسلام و انقلاب اسلامی است و دچار ابهام نگه داشتن افکار و رها کردن اذهان مردم و به خصوص جوان‌ها، «حرکت تبیین» خنثی‌کننده این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است.

تبیین آینده؛ امید- جهاد تبیین بیش از هر چیزی معطوف به آینده است. یکی از مهم‌ترین اهداف دشمن در جنگ‌شناختی علیه انقلاب اسلامی، کشتن امید به آینده در نزد افکار عمومی است. در واقع، دشمن با تحریف تاریخ و گذشته انقلاب و تهاجم چندبعدی در وضعیت کنونی، به دنبال ناامید کردن مردم از آینده انقلاب است. دشمن قصد دارد از این طریق انگیزه و اراده عمومی برای همراهی مردم با انقلاب را از بین ببرد. انقلابی که پشتوانه اصلی آن مردم هستند. لذا، در جهاد تبیین

بر همگی واجب است تا آینده‌ای روشن براساس واقعیات و عقلانیت به مردم نشان دهند.

جهاد تبیین و راهبردهای استعمار دیجیتال (تحقیق، تهدید، تطمیع)

تحقیق، در کنار تهدید و تطمیع همیشه سه شیوه اصلی برای اجرای سیاست‌های استکباری در جهان بوده (راعی دهقی، مسعود، 1390:116) و یکی از ابزارهای اصلی تحقیق و تهدید و تطمیع هم همیشه رسانه بوده. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران نه تنها باید از رسانه‌های کافی برای ارتباط با مردم جهان برخوردار باشد، بلکه همچنین لازم است فراهم‌آورنده پلتفرم‌هایی باشد که این ارتباط برای مردم جهان را تسهیل کند. چرا که نتیجه اعتماد به پلتفرم‌های تحت کنترل دیگران از قبل مشخص است: به محض اینکه احساس کنند اثرگذار هستید، ماهواره‌ها سرویس نمی‌دهند، پُست‌ها حذف می‌شوند و حتی به بهانه‌های مختلف از شما شکایت شده و با استفاده از قوانین و مقرراتی که به همین منظور تصویب کرده‌اند، در چارچوب‌های کاملاً حقوقی از شما باج‌خواهی خواهد شد و در مواردی خبرنگاران بدون ارتکاب هیچ جرمی ربوده یا کشته می‌شوند.

اصرار بر توجیه عملکرد رسانه‌های جهان سلطه مبتنی بر عبارت‌های ماکیاولیستی مانند «منافع ملی در سیاست بین‌الملل» اولاً حقیقت را کور می‌کند، ثانیاً ادبیات مقاومت یعنی واژگان و تعبیری همچون «سلطه»، «استکبار»، «استعمار» را خشتی و بی‌اثر می‌سازد و ثالثاً و مهم‌تر از همه نوعاً به توجیه هر آنچه دولت‌های سلطه‌گر بخواهند انجام دهد، می‌انجامد. به آمریکای مثلاً «طرفدار آزادی» نگاه کنید: وقتی ارتش آمریکا (در دوران جنگ سرد) به ویتنام یا (در سال‌های اخیر) به افغانستان لشگرکشی کرد، این لشگرکشی‌ها توسط سیاستمداران و رسانه‌های آمریکایی در جهت تأمین منافع ملی آمریکا معرفی شد. وقتی ارتش آمریکا فرار را بر قرار در این کشورها ترجیح داد، هم توجیه این فرارها توسط سیاستمداران آمریکایی «تأمین منافع ملی آمریکا» بود. در مقابل، رهیافت دیپلماسی ایرانی چه به منطقه و چه به جهان برخلاف قدرت‌های استکباری، همیشه مبتنی بر انصاف، عدالت، همزیستی مسالمت‌آمیز و احترام متقابل به سایر دولت‌ها و ملت‌ها بوده است. جمهوری اسلامی ایران حتی وقتی در شرایط تحریم درگیر جنگ تحمیلی بود و ناراضی نکردن حداقل یکی از ابرقدرت‌های جنگ سرد می‌توانست با «تأمین منافع ملی» توجیه شود (رمضانی، 1380:85) اما از این توجیه ماکیاولیستی برای بی‌تفاوت ماندن در قبال اشغال افغانستان استفاده نکرد. امتداد همین سیاست اصولی در حمله

آمریکا به افغانستان و عراق یا تهاجم عوامل منطقه‌ای آمریکا به سوریه و یمن نیز دیده می‌شود. گذشت زمان هم همیشه نشان داده که این سیاست‌ها در بلندمدت هم تامین‌کننده منافع مردم ایران و هم سایر کشورهای منطقه و جهان بوده است. به عبارت دیگر سیاست خارجی ایران همیشه بالاجبار مقاومت در مقابل سیاست‌های اشتباهی که دیگران خودخواهانه یا کوتاه‌بینانه در راستای تامین منافع ملی خود ارزیابی کرده‌اند، بوده است. با این همه، تصویر و ترسیمی که از این مقاومت و راهبرد ارائه می‌شود، تصویری «ضد منافع ملی» برای داخل ایران و ترسیمی «منفعت‌طلبانه» برای خارج از ایران است.

برای مقابله با این غول بزرگ استعمار رسانه‌ای باید توجه داشت حضور رسانه‌ای در کشورهای منطقه بویژه حوزه ژئوپلیتیک ایران زمانی ثمربخش خواهد بود (احمدی، 1384: 52) که اولاً توجه داشته باشیم در پلتفرم‌های تحت سلطه فقط امکان درگیر شدن به صورت «نامتقارن» وجود دارد. قدم نخست در این عدم تقارن این است که حتی در فرم نیز به الگوبرداری از توپ‌خانه‌ها و ماشین‌های پروپاگاندا‌ی جریان سلطه روی نیاوریم. الگوبرداری حتی فرمی گروه‌ها، شبکه‌ها و برنامه‌های به اصطلاح «جریان اصلی» زمینه‌ساز تأثیرپذیری از آنهاست. البته که استفاده از زبان، امکانات و توجه به اقتضائات زمانه، به هیچ عنوان الگوبرداری فرمی محسوب نمی‌شود. ثانیاً رسانه‌های ایرانی باید برای «آینده» کار کنند. آینده، غرق شدن در اوهام انتزاعی و فرضیات فانتزی فناورانه نیست، کار برای آینده در گروهی فهم صحیح و مترکم از تاریخ است، بی‌اعتنایی به تاریخ به بهانه نگاه آینده‌پژوهانه لاجرم ما را در موقعیت انفعالی و واکنشی قرار می‌دهد، اتصال رسانه به آینده تنها از راه تاریخ ممکن می‌شود. با توجه به آنکه رسانه‌ها، چه تعاملی مانند شبکه‌های اجتماعی و چه غیرتعاملی مانند شبکه‌های تلویزیونی، فراگیری و نفوذ بالایی در میان مردم کشورهای منطقه دارند، باید دانست استعمار دیجیتالی از سطح فرهنگ به حوزه اقتصاد نیز کشیده شده و وضعیتی دشوار پدید آورده است. (قره باغیان، 1376: 412) با این حال، تجربه شگفت‌انگیز انتشار اخبار و تحلیل‌های جریان مقاومت در موضوع حمله صهیونیست‌ها به محله شیخ جراح نشان داد با ابزار و امکاناتی که جریان سلطه برای حکومت بر اراده‌ها پدید آورده، می‌توان علیه خواست آنان شورید. با این نگاه باید دانست «جنگ شناختی» مورد اشاره دو لبه دارد. برای آنکه لبه سلطه‌ستیز این جنگ تیز و برآن شود، نباید منفعل شد و معرکه را به حریف واگذارد. در دورانی که با پدیده استعمار الکترونیک یا استعمار دیجیتالی (Electronic colonialism) در

سطح رسانه‌های جهان مواجهه‌ایم و غول‌های رسانه‌ای جهان، مدیریت اذهان و کنترل آن‌ها را در جنگ روایت‌ها برعهده دارند آنچه به عنوان روایت‌گری تحولات کشورهای خاورمیانه و دیگر کشورهای جهان در رسانه‌های برون مرزی ایران در حال انجام است، فارغ از آن‌که از چه میزان امکانات و فعالیت‌ها بهره می‌گیرند، به هیچ وجه کافی نبوده و نیست. البته این واقعیت که در مواقع بحرانی انواع و اقسام مشکلات برای محدود کردن خود این شبکه‌ها و کارمندان‌شان ایجاد شده هم نشان می‌دهد که مسیری که آغاز کرده‌اند، چندان بی‌تأثیر هم نبوده است.

جهاد تبیین در دستیابی به خودکفایی مجازی

حاکمان تمدن غرب با ساخت ماهواره و ایجاد فضای مجازی درصدد ایجاد این دهکده‌ی جهانی‌اند، دهکده‌ای که با ایجاد سپهر اطلاعاتی در آن، بتوانند اطلاعات مورد نظر خود را طوری که منافع آن‌ها را تأمین می‌کند، در آن منتشر کرده و بر اندیشه و افکار بشر استیلا پیدا کنند و بدین وسیله صاحب حکومت جهانی گردند. اما به نظر شهید آوینی، آنان هیچ‌گاه به این خواسته، نخواهند رسید، زیرا تمدن غرب همچون طبلی توخالی است که سروصدای زیادی دارد، اما درونش تهی است.

براساس مقاله‌ی «انفجار اطلاعات» این شهید بزرگوار، دهکده‌ی جهانی غرب و دژ اطلاعاتی آن همانند خانه‌ی عنکبوت، سست و بی‌اساس است (آوینی، 10:1387) و با وزش نسیمی فرو می‌ریزد؛ فقط کافی است تا عنصر اعتماد مردم از آن سلب شود. بنابراین بهتر است در عصر ارتباطات به‌جای فرار از فضای مجازی یا دهکده‌ی جهانی، با این واقعیت روبرو شویم ولی از این اسلحه به نفع خودمان استفاده کرده و هویت غرب را آشکار نماییم. اکنون همان‌طور که رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) فرمودند وظیفه‌ی ما جهاد تبیین است، ما باید ماهیت تمدن غرب و حاکمان آن را به جامعه‌ی جهانی بشناسانیم و بخصوص به افراد جامعه در زمینه‌ی نحوه‌ی رویارویی با بمباران اطلاعات، آگاهی دهیم. آنان باید بدانند که در عصر ارتباطات و فضای مجازی، نباید یک شهروند چشم و گوش بسته و مطیع محض باشند؛ بلکه باید قدرت تحلیل انتقادی داشته و اطلاعات درست را از نادرست تشخیص دهند تا فریب نقشه‌های دشمن را نخورند و بتوانند آن را خنثی نمایند. حاکمان تمدن غرب و اصحاب رسانه‌ی آن‌ها نیز، با ایجاد دهکده‌ی جهانی بر این باورند که اندیشه و باورهای افراد را در سرتاسر جهان تحت سیطره‌ی خود درآورند.

در موقعیت کنونی، جهاد تبیین در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... در فضای مجازی با رعایت اصول و راهبردها، از اهمیت فراوانی برخوردار است، لذا در اینجا به تبیین این اصول و راهبردها می پردازیم. اصول و راهبردها از منظر ایشان عبارت است از:

اصل اول: تبیین باید منطقی و حکیمانه باشد، تبیین مبتنی بر عقل، منطق، برهان، استدلال و آمارهای درست و باید از مغالطه، اغراق و هر چیز غیرواقع اجتناب شود؛ زیرا که ما آنقدر حقایق داریم که هرگز نیاز نداریم حتی به شکل مبالغه آمیز بیان غیرحقیقی را در ترویج و تبیین خود راه بدهیم.

اصل دوم: اصل بعدی جذابیت و بهره گیری از قالب های هنری گوناگون برای نفوذ روشنگری در دل و جان افراد است. علاوه بر حکمت و برهان باید روشنگری حوزویان و گروه های مختلف تبلیغی و جهادی جذابیت های هنری لازم در این مسیر را باید به طور جدی در دستور کار قرار داد.

اصل سوم: تبیین (در فضای مجازی) باید همه جانبه باشد به این معنا که هم در سطح بالا حقایق اسلام، انقلاب و حوزه مدنظر باشد و هم ساحت های گوناگونی که مورد حمله و شبهه قرار می گیرد دفاع و روشنگری لازم انجام گیرد و در این زمینه این طور نباشد که در بخش های زیادی کار انجام بگیرد و بخش های دیگر مغفول بماند.

اصل چهارم: در جهاد تبیین حتی در جایی که نیاز به دفاع است باید با یک روحیه فعال و تهاجمی نه منفعلانه و نه در حد رفع تکلیف وارد میدان شد.

اصل پنجم: رعایت اولویت ها و رعایت اهم و مهم در امر تبیین (در فضای مجازی) بسیار مهم است. برخی مسائل پایه تر و ریشه ای تر هستند وقت و انرژی بیشتری را می طلبد و مسائل هم گاهی منطقیه ای گاهی ملی و گاهی فراملی است و باید به وزن مسائل توجه کرد و مسائل را اصلی و فرعی کرد.

اصل ششم: تبیین و روشنگری در عرصه های مختلف جغرافیایی مدنظر باشد؛ ما باید هم جهان را و هم امت اسلام را و هم ملت و کشور را و هم منطقه کوچک که در آن قرار داریم مورد توجه و برنامه ریزی قرار دهیم. سوالات و حجاب های که بر حقایق می افتد در این چهار سطح جغرافیایی است و باید همه این لایه ها را رسیدگی کنیم. انقلاب اسلامی در مسیر نورانی خود هم پرسش ها، هم شبهات، هم رقابت ها و هم دشمنی های زیادی را برانگیخته است ما

باید به همه این سطوح پردازیم.

اصل هفتم: تبیین و روشن‌نگری باید مردم پایه و مردم بنیان باشد. ما بر پایه رویش و انگیزه های مردم و مشارکت جدی آنها توانستیم انقلاب را رقم بزنیم و جهش های بزرگ را تجربه کنیم بدون حضور فعالانه مردم این حرکت به جایی نمی رسد.

اصل هشتم: جوان گرایی در حرکت تبیین و مشارکت بخشی به نقش جوان به ویژه جوانان دانش آموز، دانشجو، فعالان فرهنگی، هنری و اجتماعی است. این افراد نخبگان موثر در جامعه هستند و باید در ارتباط دائم با آنها این حرکت را شبکه ای و مستمر جلو برد.

اصل نهم: اصل دیگر حفظ و تقویت روحیه و نشاط جهادی و انقلابی است با حفظ اصول سابق. همچنین باید رعایت حکمت و عقلانیت هم شود. در این حرکت حکیمانه بدون این روحیه کار جلو نمی رود. نباید صبر کرد که دیگران کاری کنند باید همه به اندازه خود با روحیه جهادی و البته با هم افزایی و هماهنگی های هر چه بیشتر وارد میدان شد.

اصل دهم: اصل آخر داشتن استراتژی و برنامه و سامانه منظم و منسجم در مراکز فرماندهی و متناسب با جامعه هدف در هر بخشی است. اقدامات اساتید و محققین مبلغین و منبری ها همه ممکن است به ظاهر پراکنده و فردی انجام می گیرد اما باید لاقبل به شکل نرم و ارتكازی مبتنی بر یک راهبرد کلان، منسجم و منظومه وار باشد که این هم وظیفه مراکز فرماندهی عرصه جهاد تبیین است که این راهبردها و سامانه ها را به بدنه القاء و مدرسانی کنند. (مصاحبه آیت الله اعرافی - 1400)

با توجه به موارد مورد اشاره، نباید اجازه دهیم تجهیزات و امکانات فضای مجازی در اختیار بیگانگان باشد تا هر زمانی که اراده می کنند علیه ملت توطئه آفرینی کنند، بنابراین بومی سازی و برداشتن گام های بلند در راستای خودکفایی در فضای مجازی یک ضرورت مهم است که دستگاه های مختلف کشور باید به این مسئله توجه کنند. ایران اسلامی به عنوان پایگاه بزرگ جهان اسلام باید در حوزه خودکفایی فناوری های نوین پیشتاز باشد و به کارگیری استعدادها و توانمندی های شایسته در این راستا و ارائه آموزش های لازم یک ضرورت محسوب می شود. همانطور که در هشت سال دفاع مقدس در برابر همه دنیا ایستادگی کرده و به پیروزی رسیدیم در عرصه فضای مجازی هم باید با اتکا بر ایمان، تقوا و اصول اسلامی بتوانیم از فرهنگ غنی خود دفاع کنیم و نگذاریم عقیده، فکر و ایمان جوانان را دشمنان به تاراج ببرد.

جهاد تبیین و حکمرانی مجازی

در حکمرانی اسلامی فضای مجازی، فضای جدیدی مبتنی بر مبانی فکری، ارزش‌ها و سبک زندگی اسلامی به جهان عرضه شود تا این مدل از حکمرانی، ایران از سایر کشورها متمایز کند. (حافظ نیا و دیگران، 1391: 145) جنگ‌های آینده جنگی است که سلطه جویی‌ها و کشورگشایی‌های مبتنی بر سلاح به کشورگشایی تمدنی و خدمات محور تبدیل می‌شود، گرچه این مدل حکمرانی نرم و خدمات محور بوده اما روی سخت نیز دارد تا جایی که در پروژه نیترو ژئوس پیش بینی شده فضا برای کشورهای مخالف به اندازه‌ای تنگ شود که مردم هیچ دسترسی به زیرساخت‌هایی نظیر آب، و برق و گاز نداشته باشند و از گوشت و خون هم ارتزاق کنند. چنین آینده‌ای دو گزینه پیش پای ایران خواهد گذاشت، بدون شک پذیرش چنین حکمرانی طبیعتاً با عزت مردم ایران همخوانی ندارد ضمن آنکه استقلال در این حوزه در نهایت منجر به دستیابی به حکمرانی فضای مجازی می‌شود که طبیعتاً مردم و مسئولان این گزینه را انتخاب خواهند کرد اما مساله ای که در این زمینه مهم است درک این موضوع است که در آینده تعریفی از مرز با آنچه اکنون در اختیار است، نخواهیم داشت و فضای جهان در عصر فضای مجازی، فضایی است که مرزها حداقل در آن کمرنگ شده یا از بین می‌رود.

اگر ایران خواستار ورود و دسترسی به حکمرانی فضای مجازی در چهار لایه سخت افزار، نرم افزار، محتوا و کاربر است باید ورود جهانی داشته و حکمرانی را در سطح جهان پیگیری کند. تعریف استقلال در فضای مجازی و استقلال ملی در داخل مرزهای ایران از حکمرانی فضای مجازی، آدرس غلطی است بلکه تعریف صحیح استقلال در حکمرانی جهانی در مقابل حکمرانی جهانی استبداد و سلطه قرار می‌گیرد. دستیابی ایران به حکمرانی فضای مجازی به سبک چین و روسیه برای ایران مطلوب نیست، ایجاد قدرتی متوازن شبیه با قدرتی که چین طی این سال‌ها کسب کرده برای ایران مطلوب نیست زیرا با بازار ۸۰ میلیونی کنونی، چنین ورود و رقابتی با ابرقدرت‌های جهان معقول نیست ضمن آنکه توان آن را نیز نخواهیم داشت. متناسب با ایدئولوژی فضای مجازی نگاه منتقدانه ای داریم و قائل به این هستیم که ساختارهای فضای مجازی سوار بر ایدئولوژی نادرست است، بازار بالغ بر یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون نفره مسلمانان جهان اسلام نیازهای اختصاصی و بازار بزرگی دارد که فضای مجازی موجود به آن جواب داده نمی‌شود، بنابراین پیشنهاد می‌شود در صورت توجه به این بازار از ظرفیت‌های دولتی، شرکتی و عمومی دیگر کشورها استفاده شود و ایران بتواند نقش محوری ایفا کند تا در چنین بازاری فضای مجازی

جدیدی در جهان ایجاد کنیم. همه عرصه های کشور، نهادها، مسئولان و نخبگان باید درگیر موضوع حکمرانی شده و گفتمان سازی ناظر بر این مساله داشته باشند. بدون شک قائل به دسته بندی و تقسیم بندی ظرفیت ها هستیم به طوری که معتقدیم دست کم ۲۰ درصد از ظرفیت های کشور معطوف به این هدف شده و نخبگان موارد علمی را پیاده کنند تا با بازطراحی محصولات متناسب با معانی، بازار بزرگ جهانی را تا حد امکان در اختیار بگیرند.

جهاد تبیین و زیست بوم الگوی تمدن نوین اسلامی (الگوی معرفی شده توسط رهبر معظم انقلاب) تشکیل تمدن نوین اسلامی به عنوان آرمان انقلاب اسلامی مستلزم شکل گیری فرآیند پنج مرحله ای تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی (انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) است. تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می دهد (مدیریت حوزه علمیه قم، 1383: 113) تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه های آن بر محور اسلام میگردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگیهای احکام الهی در چارچوب آموزه های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم (ص) برخوردار است و مؤلفه های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، 1388: 51) (اکبری و رضایی، 1394، 64)

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می رشد کند و به تواند غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است (بیانات مقام معظم رهبری، 1383/03/22) در این تعریف ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب به خدا میشود.

اسلام ناب محمدی (ص) پیشرفت همه جانبه ملت را رقم زد و تا زمانی که ارزش های اسلامی در این کشور حاکم باشد پیشرفت و سعادت ملت تضمین شده است و بنابر این امروز صیانت از ارزش های اسلامی و مکتب حضرت امام (ره) یک رسالت و وظیفه مهم است فناوری های نوین در جوامع بشری و خصوصاً فضای مجازی در کنار تهدیدات فراوان فرصت های

گران‌سنگی برای پیشرفت در اختیار گذاشته است که باید در راستای توسعه روابط و پیشرفت کشور در ابعاد مختلف به‌کارگیری شود. ایران اسلامی نباید از کاروان علم و فناوری غافل شود چراکه اگر غفلت کنیم و فرصت‌ها را از دست دهیم بیگانگان از خلاءهای موجود سواستفاده و علیه ملت توطئه ایجاد می‌کنند بنابراین هوشیارانه و هوشمندانه در راستای توسعه فناوری عمل کردن یک ضرورت مهم است.

پیشنهادات

- 1- جمهوری اسلامی ایران نه تنها باید از رسانه‌های کافی برای ارتباط با مردم جهان برخوردار باشد، بلکه همچنین لازم است فراهم‌آورنده پلتفرم‌هایی باشد که این ارتباط برای مردم جهان را تسهیل کند.
- 2- رسانه‌های ایرانی باید برای «آینده» کار کنند، بی‌اعتنایی به تاریخ به بهانه نگاه آینده‌پژوهانه لاجرم ما را در موقعیت انفعالی و واکنشی قرار می‌دهد. اتصال رسانه به آینده تنها از راه تاریخ ممکن می‌شود.
- 3- وظیفه خود رسانه و فعالان رسانه‌ای برای مشارکت در جهاد تبیین و تعریف عرصه‌هایی که آحاد جامعه می‌تواند به این موضوع ورود کند، دو بخش مهم است که باید به آن پرداخته شود و به عنوان رسانه و فعال رسانه‌ای آموزش آحاد مردم برای حضور در جهاد تبیین و نقش‌آفرینی مؤثر را باید در برنامه‌ها داشته باشیم.
- 4- گلوگاه‌هایی از جمله مقابله با دشمن، جنگ علیه افکار عمومی و ادراک مردم که نیاز به تبیین دارد نیز باید بر اساس گام دوم مشخص شود و هر رسانه متناسب با کارکرد خود به این موضوع ورود کند.
- 5- در مسائل و موضوعات اساسی کشور مانند اتفاقاتی که در حوزه اقتصادی، مبارزه با فساد، کاهش فاصله مسئولان با مردم، رسانه‌ها باید نقش جهاد تبیین را انجام دهند؛ اگر بخواهیم یک گزاره کلی را مطرح کنیم.
- 6- باید به مسائل مد نظر دشمن توجه شود و نقاط قوتی که دشمن می‌خواهد آن را به نقطه ضعف تبدیل کند، تقویت شود، بنابراین باید مشخص شود که توپخانه و آتش دشمن بر سر چه موضوعاتی می‌بارد و در نهایت باید آن موضوعات را به نقطه قوت نظام بدل کنیم.
- 6- رسانه باید با رویکردها و قالب‌های جدید خلاءها را رفع کند تا مخاطب در شرایط مناسبی

از آگاهی و دانش قرار گیرد و آسیب‌پذیری افکار عمومی و افرادی که تحت تأثیر این جنگ شناختی و ادراکی هستند را باید برطرف کنیم، البته اگر جایی نیاز به تهاجم بود نیز باید با آگاهی وارد عمل شویم، زیرا صرفاً نباید تدافعی عمل کرد؛ در بخش آموزش نیز باید تولید محتوای رسانه مورد توجه قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

دشمن با استفاده از ابزارهای مختلف همچون فضای مجازی، ماهواره و غیره در تلاش برای القای فرهنگ غرب در جامعه اسلامی است تا با استفاده از این ابزار صدای انقلاب به مردم نرسد و این گونه اقدامات در تاریخ عاشورا نیز تکرار شد وقتی یزیدیان در تلاش بودند تا صدای اباعبدالله به مردم نرسد. قرآن کریم همواره نسبت به هوشیاری ملت در برابر توطئه‌های بیگانگان تأکیدات فروانی کرده و امت‌های مسلمان همواره باید نسبت به توطئه‌های دشمنان هوشیارانه عمل کنند و امروز ارتقا ضریب هوشیاری و هوشمندی در برابر توطئه‌های بیگانگان بسیار اهمیت دارد. امروز ایران اسلامی در مقطع سرنوشت‌سازی قرار گرفته و باید با به‌کارگیری همت‌های بلند و تکیه بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها، کارآمدی اسلام و ایران در ابعاد مختلف را به نمایش بگذاریم تا آثار مخرب استفاده نادرست از این فضای آلوده بر هیچ کس پوشیده نیست و راه حل خشتی‌سازی استعمار مجازی در جامعه ترویج‌گفتمان جهاد تبیین‌مورد تأکید مقام معظم رهبری می‌باشد.

منابع:

اکبری، مرتضی و رضائی، فریدون (1394) واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، دو فصلنامه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره 3، شماره 5: ص 108

جان احمدی، فاطمه (1388) تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف.
 بیانات مقام معظم رهبری جاسبی، جواد و ندا نفری (1383) <https://www.leader.ir/fa>
 طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستمهای باز، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال
 چهارم، شماره 16
 مدیریت حوزه علمیه قم، (1383) درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم:
 انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.

بیانات رهبر معظم انقلاب در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی – 1400/07/05
 سوربن، و. تانکارد، ج. نظریه های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، انتشارات دانشگاه تهران،
 تهران 1381

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مداحان اهل بیت (ع) – 1400/11/03
 بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم دوازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله) –
 1380/03/14

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از برجستگان و نخبگان علمی کشور و اساتید دانشگاه
 ها – 1387/07/03

راعی دهقی، مسعود (1390) اقدام متقابل و حقوق بین الملل، معرفت، سال 20، ش 165 : 116
 رضائی، روح اله، سیاست خارجی ج. ا. ا.، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی، تهران : 1380
 امیراحمدی، هوشنگ (1384)، سیاست خارجی منطقه ای ایران (بخش اول)، ترجمه علیرضا
 طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره 12-11 مرداد و شهریور
 قره باغیان، مرتضی، (1376) "فرهنگ اقتصاد بازرگانی"، تهران: انتشارات رسا، مرداد 1388
 آوینی، سید مرتضی (1387) انفجار اطلاعات، فرهنگ پویا، شماره 8

مصاحبه با آیت الله اعرافی (مدیر حوزه های علمیه)، خبرگزاری تسنیم، اسفند 1400
 حافظ نیا و دیگران (1391) اصول مکتب ژئوپلیتیک انسانگرا، نشریه ژئوپلیتیک سال 17
 Ferro, M. (1997). Colonization: a global history. London, Routledge.
 Fieldhouse, D. K. (1999). The West and the third world: trade, colonialism, dependence and development. Oxford, Blackwell Publishers.

https://en.wikipedia.org/wiki/Electronic_colonialism

McPhail, Thomas L. (21 March 2014). "eColonialism Theory: How

- Trends are Changing the World". The World Finance Review.
- McPhail, Thomas L. (21 March 2014). "eColonialism Theory: How Trends are Changing the World". The World Finance Review.
- Rosenberg, R. S. (1997). The social impact of computers. San Diego, Academic Press.
- Chanda, N. (2000). "The digital divide." Far Eastern Economic Review.
- Salpini, D. (1998). World Conference on Information Technology, Federal Communicators Network.
- Norris, P. (2001). Digital divide: Civic engagement, information poverty and the Internet worldwide. New York, Cambridge University Press.
- Venkatesan, V., & Nambiar, N. (2003). E-Colonialism the New Challenge of the 21st Century. In M. Khosrow-Pour (Ed.), Information Technology and Organizations: Trends, Issues, Challenges and Solutions (Philadelphia, USA ed., Vol. N/A, pp. 778-779). IGI Global.
- Spennemann, D. H. R., J. Birkhead, et al. (1996). "The electronic colonization of the Pacific." Computer-Mediated Communication Magazine 3(2).
- Kwet, Michael (2019). "Digital Colonialism: US Empire and the New Imperialism in the Global South". Race & Class. 3: 3–26 – via SAGE.
- Young, Jason C. (19 June 2019). "The new knowledge politics of digital colonialism". Environment and Planning A: Economy and Space. 51 (7): 1424–1441. doi:10.1177/0308518x19858998. ISSN 0308-518X. S2CID 197698914.
- Couldry, Nick; Mejias, Ulises A. (2 September 2018). "Data Colonialism: Rethinking Big Data's Relation to the Contemporary Subject". Television & New Media. 20
- Couldry, Nick; Mejias, Ulises A. (2 September 2018). "Data Colonialism: Rethinking Big Data's Relation to the Contemporary Subject". Television & New Media. 20
- autor., Moore, Jason W. (2015). Capitalism in the web of life : ecology and the accumulation of capital. ISBN 978-1-78168-902-8. OCLC 1120595108.
- Mack, Zachary (25 June 2019). "Big Tech's problem is its lack of competition". The Verge. Retrieved 29 May 2021.
- Gorey, Colm (8 May 2020). "How the rise of 'digital colonialism' in

the age of AI threatens Africa's prosperity". Silicon Republic. Retrieved 29 May 2021.

Mouton, Morgan; Burns, Ryan (17 May 2021). "(Digital) neo-colonialism in the smart city". *Regional Studies*: 1–12. doi:10.1080/00343404.2021.1915974. ISSN 0034-3404. S2CID 236604583.